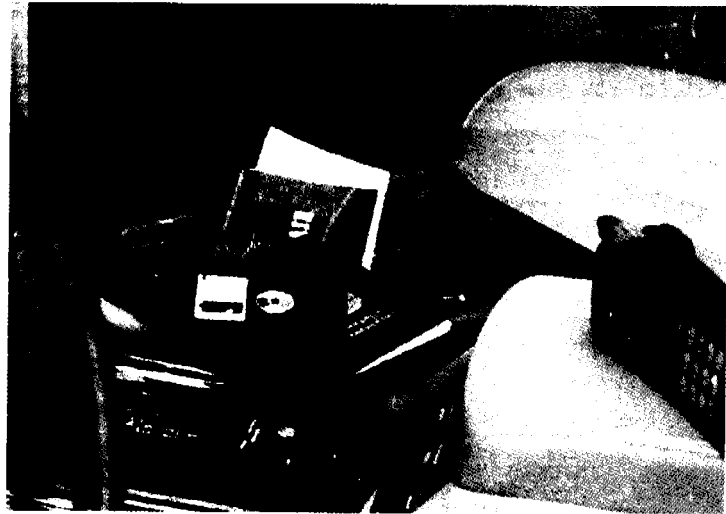


از موفقیت بالایی برخوردار بوده‌اند، اما سیاستهای اقتصادی کره و تایوان از لحاظ نشان دادن نقش بنگاههای کوچک و متوسط در ارتقای سطح صادرات تمایزهایی با هم دارند (ارنست، ۲۰۰۰) از نظر تاریخی، گرایش به سوی صادرات



تجارت الکترونیکی

ابزاری برای ارتقای صادرات در بنگاههای

کوچک و متوسط اقتصادی

(مقایسه حوزه‌های آسیای شرقی و امریکای لاتین)

○ میکی یوکوایاما*

○ ترجمه: نعمت... تقوی با همکاری محمدرضا اسماعیل نیا

مونتاز

صادراتی بوده

است (یسا مازاوا،

۱۹۴۴).

نمونه بنگاههای کوچک و متوسط تایوان نیز در این مورد قابل ذکر است زیرا نیروی محرک صنعتی شدن کشور در چهار دهه اخیر محسوب می‌شود. این بنگاهها بیش از ۹۷/۰ درصد کل تأسیسات اقتصادی جزیره را به خود اختصاص می‌دهند، حدود دو سوم صادرات برعهده آنهاست و نزدیک به ۶۰/۰ درصد جمعیت کارگری را در استخدام خود دارند. بنگاههای کوچک و متوسط فعال‌ترین طرف پیمانکاری دست دوم برای شرکتهای بزرگ خارجی هستند که در سطح جزیره یا اقصاء نقاط عالم فعالیت می‌کنند. نا شناخته‌ترین بنگاههای کوچک و متوسط به جمهوری کره مربوط است. اگر چه جمهوری کره و تایوان در تولید کالاهای صنعتی صادراتی

کمک بنگاههای کوچک و متوسط به

صادرات کشورهای آسیای شرقی

ژاپن کشوری است صنعتی که دارای نظام کاملاً توسعه یافته‌ای از پیمانکارهای دست دوم^{۲۰} می‌باشد: حدود ۶۰/۰ درصد از تولیدات صنعتی ژاپن بر عهده پیمانکاران دست دوم کوچک و متوسط است و نقش آنها به بیش از ۸۰/۰ درصد تولیدات صنعتی بخشهای فرعی نظیر نساجی و پوشاک، ماشین آلات عمومی و الکترونیکی، حمل و نقل ماشین آلات فنی بالغ می‌شود.^{۲۱} در آغاز دهه ۱۹۹۰، حدود ۳۰/۰ درصد صادرات صنعتی ژاپن، مطابق گزارشهای موجود، توسط بنگاههای مزبور به تولیدات قطعات و مواد مورد استفاده در تولیدات

در جمهوری کره، عمدتاً توسط بنگاههای اقتصادی بزرگ بوده، در حالی که این کار در تایوان به وسیله بنگاههای کوچک و متوسط انجام شده است. وقتی سهم صادراتی بنگاههای کوچک و متوسط کره در کل صادرات این کشور با ارقام تایوان مورد مقایسه قرار می‌گیرد، روشن می‌شود که سهم صادراتی بنگاههای کوچک و متوسط تایوان، مخصوصاً اواخر دهه ۱۹۸۰، بسیار بالاتر از کره بوده است. از سال ۱۹۸۲، سهم صادراتی بنگاههای کوچک و متوسط به طور مداوم افزایش پیدا کرده، در حالی که سهم بنگاههای کوچک و متوسط تایوان در صادرات آن کشور تا سال ۱۹۹۰ حول ۶۰/۰ درصد ثابت باقی مانده بود. از این تاریخ، سهم آنها اندکی کاهش یافته و تفاوت میان اقتصادهای این دو کشور کمتر شده است (آبه و کاواکامی، ۱۹۹۷) ترمیم شکاف عملکرد صادراتی بنگاههای کوچک و متوسط کره، به سیاستهای دولت در اواسط دهه ۱۹۷۰ (ارتقای سطح و اهمیت بنگاههای کوچک و متوسط) مربوط بوده است.^{۲۲} در سال ۱۹۹۶، سرمایه‌گذاری در بنگاههای کوچک و متوسط به ۲۰/۰ درصد کل سرمایه‌گذاری کشور بالغ می‌شد و در عین حال ۴۲/۰ درصد کل صادرات در دست این واحدها قرار

جدول شماره ۱-۶- شاخصهای مختلف بنگاههای کوچک و متوسط
در کشورهای منتخب (اواسط دهه ۱۹۹۰)

نام کشور	درصد در کل بنگاهها	درصد اشتغال	سهم در محصول ناخالص داخلی	سهم بنگاه در صادرات کشور
(۱) کشورهای عضو OECD:				
استرالیا	۹۶/۰	۴۵/۰	۲۳/۰	-
بلژیک	۹۹/۷	۷۲/۰	-	-
کانادا	۹۹/۸	۶۰/۰	۵۷/۲	۹/۳ (۱۹۹۰)
دانمارک	۹۸/۸	۷۷/۸	۵۶/۷	۴۶/۰
فنلاند	۹۹/۵	۵۲/۶	-	۲۶/۰
فرانسه	۹۹/۹	۶۹/۰	۶۱/۸	۲۶/۰
آلمان	۹۹/۷	۶۵/۷	۳۴/۹	-
یونان	۹۹/۵	۷۳/۸	۲۷/۱	۱۹/۰
ایرلند	۹۹/۲	۸۵/۶	۴۰/۰	-
ایتالیا	۹۹/۷	۴۹/۰	۴۰/۵	۵۳/۰
ژاپن (۱۹۹۴)	۹۹/۰	۷۸/۰	۵۶/۰	۱۴/۰
جمهوری کره	۹۹/۱	۷۸/۵	-	۴۲/۰
مکزیک (۱۹۹۴)	۹۹/۸	۷۸/۰	۶۹/۰	زیر ۲۰/۰
پرتغال	۹۹/۰	۷۹/۰	۶۶/۰	-
اسپانیا	۹۹/۵	۶۳/۷	۶۴/۳	۴۱/۰
سوئد	۹۹/۸	۵۶/۰	-	۳۰/۰
سوئیس	۹۹/۰	۷۹/۳	-	-
انگلستان	۹۹/۹	۶۷/۲	۳۰/۰	-
ایالات متحده (۱۹۹۷)	۹۹/۷	۵۳/۷	۵۱/۰	-
(۲) کشورهای دیگر:				
ناپوان (۱۹۹۴)	۹۷/۸	۸۱/۱	-	۵۶/۰
جمهوری خلق چین	۹۸/۰	۷۰/۰	-	۴۰-۶۰
اندونزی	۹۷/۰	۴۲/۰	-	۱۰/۶
نابلد	۹۸/۰	-	-	۱۰/۰
مالزی	۹۶/۰	۴۰/۰	-	۱۵/۰
فیلیپین	۹۹/۰	۴۵/۰	۲۸/۰	۲۰/۰
سنگاپور	۸۹/۰	۴۲/۰	-	۱۶/۰
ویتنام	۸۳/۰	۶۷/۰	-	۲۰/۰
آرژانتین	۵۰/۰	۴۸/۰	۴۵/۰	۱۵/۰ (۱۹۹۹)
شیلی	۹۹/۱	۷۴/۰ (۱۹۹۳)	۲۳/۷	۴/۸
کلمبیا	۹۳/۴	۵۴/۷	۳۶/۰	-

داشت. ۲۹/۰ درصد از صادرات بنگاههای مزبور را محصولات الکترو نیک و برقی، ۲۳/۸ درصد نساجی، ۱۵/۸ درصد ماشین آلات و تجهیزات حمل و نقل، ۹/۹ درصد لاستیک و پلاستیک و کالاهای چرمی و ۱۸/۳ درصد آهن آلات، فولاد و محصولات فلزی و... تشکیل می‌دادند. در سالهای اخیر، پیمانکاران دست دوم کوچک اما توانمندی پیدا شده‌اند که در تأمین مایحتاج مجتمعهای بزرگ اقتصادی نقش مهمی برعهده داشته‌اند. این بنگاهها (کوچک و متوسط)، نه تنها به صدور کالا اقدام می‌کنند، بلکه در سرمایه‌گذاریهای خارجی نیز شرکت دارند (کره، 1998-SMBA)

سنگاپور که در آغاز فعالیت خود به صورت اقتصاد واسطه‌ای^(۳) توسعه پیدا کرده ولی با موفقیت کامل به یک اقتصاد صنعتی قوی تحول یافته است، به شدت منابع شرکتهای بزرگ خارجی را محدود کرده و سیاست متعادل برای حمایت از بنگاههای کوچک و متوسط فعال و قابل نوسازی داخلی پیاده کرده است. امروزه بنگاههای کوچک و متوسط ۹۰/۰ درصد کل تأسیسات کشور را تشکیل می‌دهند، ۴۴/۰ درصد از شاغلین، ۲۴/۰ درصد ارزش افزوده و ۱۶/۰ درصد صادرات مستقیم را به خود اختصاص می‌دهند. بنگاههای کوچک و متوسط سنگاپور در تولید کالاهای پلاستیک، سرق و الکترونیک، و تجهیزات حمل و نقل فعالانه شرکت دارند و غالباً تأمین کنندگان خدمات فرعی و پیمان کاریهای مورد نیاز شرکتهای چند ملیتی هستند (باناب و دیگران، ۱۹۹۶).

بنگاههای کوچک و متوسط چین مانند بنگاههای سنگاپور مهم هستند اما تفاوتهای بزرگی نیز با آنها دارند. بنگاههای کوچک و متوسط چین از زمان اتخاذ سیاست اصلاح طلبانه و درهای باز در سال ۱۹۷۸، توسعه سریعی پیدا کرده‌اند. از جمله بنگاههای شهری و روستایی و برخی از فعالیتهای مشترک داخلی و خارجی) شاغل در صنایع سبک و بخش نساجی با صادرات رابطه نیرومندی پیدا کرده‌اند. به عنوان مثال کل

غیرمستقیم و تجارت بامالکیت خارجی مربوط می‌شود (اسکاپ)

عملکرد صادراتی بنگاههای کوچک و متوسط در امریکای لاتین

برعکس انتظار، بنگاههای کوچک و متوسط امریکای لاتین، در ساختار صنعتی کشورهای بزرگ بیشتر از کشورهای کوچک نقش ایفا می‌کنند. این امر در مورد حجم ارزش افزوده و فروش، بیشتر است. صرف نظر از وسعت کشور،

صادرات بنگاههای شهری و روستایی در سال ۱۹۹۵، ۴۳/۰ درصد صادرات چین را تشکیل می‌داد. ضعف صادرات بنگاههای شهری و روستایی، تا حدودی در مورد زیر بوده است: صادرات مستقیم (۶۴/۰ درصد)، صادرات به وسیله شرکتهای بازرگانی خارجی از طریق خرید و فروش (۴۵/۰ درصد) و صادراتی که راساً اقدام شده است (۱۹/۰ درصد) ۳۶/۰ درصد باقیمانده به صادرات

می‌شود (رک: جدول شماره ۲-۶)

تشریح آزادسازی تجارت در بنگاههای امریکای لاتین

در کشورهای امریکای لاتین، در دهه ۷۰ میلادی دهه ۹۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰، کوچک و متوسط تمام هم خود را مصروف تولید جایگزینهای داخلی برای کالاهای وارداتی کردند و به کینتیب، کارایی تولید و هزینه‌های آن توجهی نمودند. این بنگاهها به صادرات نیز عنایتی نداشتند (کاتز، ۱۹۹۹) و فقط تقاضاهای مصرفی (کالاهای جرمی و مسلمان را تأمین می‌کردند. سطح تکنولوژی این بنگاهها یک یا دو دهه از کل جهان عقب‌تر بود. در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، آنها مهارت‌های فنی و ظرفیت‌های تولیدی خود را ارتقا بخشیدند و با حمایت سیاست‌های دولتی ویژه برای توسعه صادرات، وارد مرحله صادرات شدند.

الغای رژیم کهنه ناظر بر صنعتی شدن کشور که بر اساس جایگزینی واردات مبتنی بود و فعالیتهای آزادسازی^{۲۵} مقررات‌زدایی^{۲۶} از بازار، به طور کلی روی بنگاههای کوچک و متوسط تأثیر عکس برجای گذاشت زیرا چیزی نگذشت که در دهه ۱۹۸۰، چندین فقره ورشکستگی اقتصادی به وقوع پیوست. فرایند ارتقای سطح تکنولوژی بنگاههای کوچک و متوسط در دوران پس از آزاد سازی تجارت و مقررات‌زدایی از آن، بسیار آهسته، دشوار و گسسته بود. کارگزاران فرعی شرکتهای چند ملیتی، بسیاری از کالاهای تولید محلی خود را کاهش دادند. ایجاد دگرگونی در سازمان تولید توسط بنگاههای صنعتی (مانند انتخاب تکنولوژیهای جدید رایانه‌ای و مراعات اصل اقدام به موقع^{۲۷} در سازمان تولید) و عمودی سازی دوباره^{۲۸} فرایندهای تولید آنها، به معنای کاهش تعداد بخشها و اجزا، تقلیل کاربرد پیمانکاران و کاربران دست دوم و جایگزینی کالاهای واسطه‌ای وارداتی به جای تولیدات محلی بوده است (پیسانگ و دیگران، ۱۹۹۶؛ چاندونسکی و دیگران، ۱۹۹۶؛ کاتز، ۱۹۹۶؛ و کوساکوف، ۱۹۹۲)



جدول شماره ۲-۶ - مشارکت بنگاههای کوچک و متوسط امریکای لاتین در بخش تولیدات صنعتی: اشتغال و تولید (درصد)

نام کشور و اندازه بنگاه	درصد اشتغال	درصد تولید
آرژانتین (۱۹۹۲): ۶-۱۰۰	۱۴/۶	۳۵/۹
بولیوی (۱۹۹۴): ۵-۴۹	۳۶/۱	۱۷/۶
برزیل (۱۹۹۷): ۲۰-۴۹	۶۶/۸	۶۰/۸
شیلی (۱۹۹۶): ۱۰-۱۹۹	۵۲/۱	۳۷/۱
کلمبیا (۱۹۹۶): ۱-۹۹	۵۲/۵	۳۲/۲
کاستاریکا (۱۹۹۷): ۲۱-۱۰۰	۱۳/۲	۱۲/۶
اکوادور (۱۹۹۳): ۱۰-۹۹	۳۷/۷	۱۹/۴
السالوادور (۱۹۹۳): ۲۱-۱۰۰	۱۷/۶	۱۴/۸
کزیک (۱۹۹۳): ۱۶-۲۵۰	۴۴/۶	۳۱/۱
یکاراگوئه (۱۹۹۴): ۴-۳۰	۱۱/۷	۱۱/۲
پاراگوئه (۱۹۹۴): ۶-۱۰۰	۴۱/۰	۳۱/۰
پرو (۱۹۹۴): ۱۱-۲۰۰	۵۲/۵	۳۶/۱
ترینیداد و توباگو (۱۹۹۶): ۶-۱۰۰	۵۷/۰	۲۲/۶
اروگوئه (۱۹۹۵): ۵-۹۹	۵۷/۹	۳۹/۷
ونزوئلا (۱۹۹۵): ۵-۱۰۰	۳۹/۵	۱۳/۸

منبع: پرس، ویلسون و جیروانی استامپور، توسعه جهان، سال ۲۸، شماره ۹

می‌گیرند) اما مشارکت این کشورها در بازرگانی خارجی کم اهمیت است و به کمتر از ۲/۰ درصد کل صادرات بالغ

بنگاههای کوچک و متوسط امریکای لاتین، به طور کلی، در صنایع شیمیایی و غذایی متمرکز شده‌اند. اگر چه در کشورهای بزرگ، این بنگاههای بیشتر در بخش تولیدات و ماشین آلات فلزی فعالیت دارند. بخشهایی از اقتصاد کشورهای امریکای لاتین که معمولاً با بنگاههای کوچک و متوسط سرو کار دارند (مانند تولیدات پوشاک و کفش)، در ساختار تولیدی جامعه نقش مسلط ندارند. مواد غذایی و شیمیایی و همچنین ماشین آلات و تجهیزاتی که به وسیله بنگاههای کوچک و متوسط کشورهای بزرگ تولید می‌شوند، اکثراً متوجه بازارهای محلی هستند. اهمیت نسبی ماشین آلات و تجهیزات الکتریکی از یک سو و خودرو و ابزار یدکی آن از سوی دیگر (دو صنعتی که در آنها بنگاههای کوچک و متوسط به عنوان پیمانکاران دست دوم نقش تعیین کننده‌ای دارند) در کل تولیدات پایین و ضعیف است. در دامنه ۳/۰ تا ۶/۰ درصد در آرژانتین، برزیل و مکزیک (پرس و استامپور، ۲۰۰۰) اگر چه اهمیت بنگاهها در اقتصاد چهار کشور مرکوسور^{۲۹} به افزایش است (بنگاههای کوچک و متوسط بیش از ۹۰/۰ درصد تأسیسات و بیش از ۵۰/۰ درصد مشاغل آنها را در

۴۵/۰ و ۴۶/۰ درصد کارکنان، تولیدات و ارزش افزوده را به خود اختصاص می‌دهند. بنگاههای کوچک و متوسط فعال در هفت بخش از تولیدات صنعتی (سائبر آلات و تجهیزات، محصولات کوچک و متوسط فعال در هفت بخش از تولیدات برشک پتسی، مواد غذایی و پوشه و لاستیک و پلاستیک)، ۵۵/۰ درصد بنگاههای کشور را تشکیل می‌دهند.

23- entrepot-based economy

24- Mercosur

25- Liberalization

26- deregulation

27-just-in-time

28- deverticalization

29- peres and stumpo

۳۰- بحران اخیر آسیای شرقی، برخی از جنبه‌های منفی آزاد سازی اقتصادی را آشکار کرد چرا که بخش بنگاههای کوچک و متوسط منطقه را تحت تأثیر قرارداد، نقضای کلی برای کالا و خدمات به دلیل کاهش تولید و تقاضای بخش عمومی، شدیداً حالت انقباضی پیدا کرد. قیمت بالای کالاهای وارداتی، به دلیل کاهش نزولی ارزش پول، بازار کم برای تسهیلات و خدمات عمومی، و هزینه بالای وامهای بانکی، باعث پیدایش پیامدهای ترکیبی از تورم داخلی و افزایش قیمت‌های پایه مواد غذایی شد. بار مالی اره خدمات دیون داخلی، به دلیل افزایش شدید نرخهای بهره در بخش مالی رسمی، سنگین تر شد. در حالی که در مورد بازار بورس یا بازار غیر رسمی (شعب اصلی تأمین مالی برای بنگاههای خرد و کوچک و متوسط) به سطح بازدارنده‌های رسیده است (- 1998 UNCTAD (رکبیز ۱۹۹۹) اظهار می‌دارد که بنگاههای کوچک و متوسطی که بازارهای صادراتی را تغذیه می‌کنند و غالباً به مواد و داده‌های محلی متکی هستند، ترتیبی داده‌اند که بتوانند تولید و صادرات خود را افزایش دهند.

31- Yo quel

۳۲- کاتر (۱۹۹۹) عقیده دارد بنگاههای کوچک و متوسط فعال که بخشی از صنایع سریع‌آه رشد یابنده کشور را تشکیل می‌دهند، علاقه‌مند شده‌اند عملکرد خود را در برابر شرکتهای بزرگ ارتقا بخشد. در این زمان عملکرد بنگاههای کوچک و متوسط وابسته به صنایع کم رشد، در مقایسه با بنگاههای بزرگ، سیر فزاینده‌تری پیسود است. معنای این وضع آن است که فضای حاکم بر بخشهای اقتصادی و عوامل خارجی، بیشتر از عوامل داخلی، برای عملکرد بنگاههای کوچک و متوسط تعیین کننده هستند.

33- intra- industrial

34- intra- firm

از طریق پیمانکاریهای دست دوم، روابط محکمی دارند. این رابطه‌ها به نوگردانی مهارت‌های فنی و مدیریتی بنگاهها منجر می‌شوند و دسترسی آسان و کم هزینه به اطلاعات بازار، توان و ظرفیت بنگاههای کوچک و متوسط را برای مقاومت در برابر رقابت، افزایش می‌دهند و آنها را برای واکنش در برابر شرایط اقتصادی نامناسب انعطاف پذیر می‌سازند.^{۳۲} پویاترین بنگاههای کوچک و متوسط صادرات فرست در بخشهای دیده می‌شوند که با ویژگی تجارت درون - صنعتی^{۳۳} و درون - بنگاهی^{۳۴} مشخص می‌گردند. توانمندیهای متفاوت بنگاهها و بخشهای اقتصادی برای کارآفرینی و رقابت، باعث شده است که ظرفیت بنگاهها برای استفاده از بازار تجارت منطقه‌ای، تجدید سازماندهی به منظور کاهش تأثیرات عمودی سازی بنگاهها، گسترش همکاری درون - بنگاهی و تقویت روابط میان - بنگاهی با بنگاههای اقتصادی بزرگ، متفاوت باشد (رک: مقالات SOCNA، ۱۹۹۸).

پی‌نوشت‌ها:

۱- کرشناس امور اقتصادی، بخش تجارت، حمل و نقل و امور مالی بین‌المللی متحد برای امریکای لاتین و حوزه کارائیب

20- Sub-contracts

۲۱- این نسبتها از زمانی که قانون تأسیس بنگاههای کوچک و متوسط در سال ۱۹۶۳ به تصویب رسید، به صورت بلا تغییر - فنی - بدست خشی در سالهای ۱۹۹۰، بنگاههای کوچک و متوسط به صورت فعال عمل کرده‌اند (با سازمان، ۱۹۹۴)

۲۲- بنگاههای کوچک و متوسط کوه واحدهایی هستند که کارکنانی زیر ۳۰۰ نفر دارند و داراییهای آنها کمتر از ۸۰ میلیارد ون می‌باشد و در حال حاضر تعدادشان به بیش از ۲/۶ میلیون واحد می‌رسد. این واحدها ۹۹/۵ درصد کل موارد کسب و کار را در بر می‌گیرند و با استخدام ۹/۶ میلیون نفر، ۷۸/۵ درصد نیروی کار کشور را به خود اختصاص می‌دهند. در بخش تولیدات صنعتی ۹۶ هزار بنگاه کوچک و متوسط وجود دارد که ۹۹/۰ کل شرکتهای صنعتی و ۶۹/۰ درصد کل شاغلان صنعتی را در بر می‌گیرند. ارزش تولیدات و فعالیت‌های مربوط به ارزش افزوده آنها به ۲۰/۰ درصد کل کشور بالغ می‌شود. فعالترین بنگاههای کوچک و متوسط، واحدهایی هستند که کارکنانی از ۴۹ تا ۵۵ نفر دارند و به ترتیب ۵۹/۰،

تأزم به یادآوری است که در جریان سده‌های اقتصادی پایان دهه ۱۹۸۰ و سده نهمین دهه ۱۹۹۰، بنگاههای کوچک و متوسط صنعتی در امریکای لاتین به طور کلی، نه با رکود مواجه بودند و نه برتوسید، اشغال و بهره‌وری افت عمومی ناشند. اگرچه بهره‌وری این بنگاهها پایین‌تر از بنگاههای اقتصادی بزرگ است، اما فاصله میان آنها در برخی کشورها کاهش یافته است. علی‌رغم این احتمال که آزادسازی تجارت می‌توانست در برخی از کشورها به دلیل افزایش واردات، تأثیر منفی داشته باشد، اما پرس و استامیو^{۲۹} (۲۰۰۰) اعتقاد دارند که بنگاههای کوچک و متوسط در بخش تولیدات صنعتی «بازندگان» و این برندگان بودند که ایجاد کننده اصلی پویایی در صادرات برخی از کشورها محسوب می‌شوند.^{۳۰} به نظر یوگوتل (۱۹۹۶)^{۳۱}، عملکرد بنگاههای کوچک و متوسط در جریان دوره اصلاحات اقتصادی به دلایل زیر متفاوت بود:

۱) توان و ظرفیت برای واکنش و تنظیم راجی‌دهای تعدیل اقتصادی

۲) توان و ظرفیت برای تعیین راجی‌دهای انعطاف پذیر نوین در فضای جدید

۳) اندازه دانشی که بنگاه در برابر رقبای خود و پویایی بازار کسب می‌کند

۴) سبک مدیریت

۵) میزان آزادی برای طراحی راجی‌دهای رقابتی (رک: کادر ۲-۴)

وزن نابرابر عوامل فوق در بنگاههای مختلف، به تأثیرات متفاوتی در حوزه بنگاههای کوچک و متوسط منجر شده و سرعت نابرابر تعدیل اقتصادی خرد در بنگاههای کوچک و متوسط و تعدیل اقتصادی دلان در توسعه صادرات را متمایز کرده است.

پرس و استامیو (۲۰۰۰) اینس تمکندهای مختلف و ناهمگن را به اصلاحات و معجز پیچیدگی ساختار اقتصادی، به ویژه در کشورهای بزرگی نسبت می‌دهند که در آنها بنگاههای کوچک و متوسط، با همدیگر از راه خوشه‌های تولیدی و با بنگاههای بزرگ